فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و ششم. پاییز ۱۳۹۷، صص۱٦٤-۱٥٥ Vol 2. No 26. 2018, p 155-164
شماره شاپا (۲٥۳۸-٦۳۹٥) ISSN: (2538-6395)

منشور کوروش کبیر و اعلامیه حقوق بشر

سمیه عباسیان نژاد[۱]. دکتر عبدالکریم شاحیدر[۲]
۱. کارشناسی ارشد حقوق عمومی
نویسنده مسئول
۲. عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور واحد دزفول، ایران

چکیده
بشر از ابتدا برای اجتماعی زیستن نیازمند صلح، امنیت و آزادی بوده، بدور از اینکه اجتماعی بودن بشر برگرفته از ذات یا نیاز باشد، برای بقای بشر یک امر الزامی محسوب می‌شود که قوانین متکی به حقوق برگرفته از ذات و اغراض بشری متضمن اجرای این الزام می‌باشد، نقطه آغاز حقوق را می‌توان در دوران برده داری رصد نمود که بدنبال آن فلاسفه، علماوبرخی سلاطین از جمله کوروش کبیر شاه هخامنشی ایران در۲۵۰۰ سال قبل از میلاد و بلاخره در دوران جدید(مدرن) پس از جنگ های بسیار در پناه ایجاد سازمان ملل در قالب اعلامیه حقوق بشر بدان پرداخته‌اند

واژه‌های کلیدی: منشور، کوروش کبیر، اعلامیه، حقوق بشر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

مقدمه

منشور کوروش به صلح، امنیت و آزادی افراد واعلامیه حقوق بشربه عنوان یک سند پس از پایان جنگ دوم جهانی و ایجاد سازمان ملل به فرد می پردازند.

منشور کوروش و اعلامیه حقوق بشر دارای مشترکاتی می‌باشد که اگر منشور کوروش متغیر مستقل و اعلامیه حقوق بشر متغیر وابسته بنا به تقدم درنظر گرفته شود در فرضیه می‌توان گفت منشور کوروش واعلامیه حقوق بشر با تکیه بر اسنادومدارک موجود در قالب کتاب، مقاله، اینترنت به روش تحلیلی، توضیحی متکی به مطالعات کتابخانه ای دو شاهکار دوران باستان و دوران مدرن هم راستا برای رعایت حقوق فرد به حساب می‌آیند. که ضرورت بررسی این دو سند در یاری رسانیدن به دانش پژوهان علوم انسانی و اندیشمندان حقوقی برای حفظ فاکتورهای صلح و امنیت و آزادی موثر می باشد.

حقوق

واژه‌هایی در زبان فارسی وجود دارد که بار معنایی آنها هم سنگین است و هم متنوع. حقوق یکی از آن واژه‌هاست. دو معنای واژه «حقوق» از جهات علمی و فلسفی بیشتر مورد گفتگو است.

۱- مجموع مقرراتی که در زمان معین بر جامعه‌ای حکومت می کند و هدف آن فعالیت بخشیدن به نظم و عدالت است. واژه حقوق در این معنا همواره به صورت جمع به کار می‌رود، مانند حقوق ایران، حقوق بین‌الملل، حقوق بشردوستانه، حقوق مدنی، حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق اسلام و. . . (کاتوزیان:۷۱، ۱۳۸۶)

۲- برای اینکه حقوق به هدف نهایی خود یعنی استقرار عدالت در روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع برسد ناچار باید برای مردم امتیازاتی در برابر دیگران بشناسد و با ایجاد تکلیف برای گروه دوم، توانایی خاصی به آنان اعطا کند. این امتیاز و توانایی را که حقوق هر جامعه منظم برای اعضای خود به وجود می‌آورد «حق» می‌نامند که جمع آن «حقوق» است. حق حیات، حق مالکیت، حق ابوت و نبوّت و حق زوجیت و مانند اینها به اعتبار همین معنا است. حق به این معنا از سنخ توان، اختیار و سلطه است و صاحب حق از نوعی نفع، قدرت و توانایی برخوردار است.

اگرچه ما به اعتباری از مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر جوامع که روابط میان مردم و دولت را تنظیم می کند بحث خواهیم کرد، امّا تأکید ما بر حق‌های مردم است نه تکالیف. همچنین از دو نظام بین‌الملل حقوق بشر و بشردوستانه به عنوان دو شاخه از علم حقوق بین‌الملل سخن می گوییم، امّا هیچ‌گاه تکیه سخن بر علم حقوق نیست.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

مصادیق حقوق بشر

الف) تعریف

قبل از پرداختن به تعریف حقوق بشر، لازم است به دو تقسیم از تقسیمات متعدد حق که حائز اهمیت است اشاره کنیم:

الف) حق فردی را برخی به سه گروه اصلی تقسیم کرده‌اند:

۱- حقوق سیاسی، حق سیاسی عبارت از اختیاری است که شخص برای شرکت در قوای عمومی و سازمان‌های دولت دارد. مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن.

۲- حقوق عمومی؛ که مربوط به شخصیت انسان و ناظر به روابط دولت و مردم است، مانند حق حیات و انواع آزادی‌ها. هرچند که حقوق عمومی بیشتر در برابر قدرت دولت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما در روابط خصوصی نیز قابل اجرا است. هرکس باید به حیات و آزادی و شرافت و شخصیت دیگران احترام گذارد. پاره‌ای از نویسندگان، حقوق عمومی و سیاسی را در یک گروه قرار داده‌اند.

۳- حقوق خصوصی؛ حق خصوصی اختیاری است که هر شخص در برابر دیگران دارد: مانند حق مالکیت، حق ابوت و نبوّت، حق شفعه، حق انتفاع، حق زیاندیده در مطالبه خسارت و حق فسخ معامله.

البته افزون بر سه دسته مزبور، دسته‌ای دیگر از حقوق را نیز می‌توان حقوق اخلاقی نامید. مثلاً حقوقی که اخلاقاً پدر و فرزند بر یکدیگر دارند. (جعفری تبریزی:۱۳۷۶، ۱۳)

ب) در یک تقسیم دیگر حق را به اعتبار موضوع به حق عینی، دینی و حق مربوط به شخصیت تقسیم می‌کنند:

حق عینی حقی است بر اعیان اموال که در خارج وجود دارند مانند حق مالکیت مالک خانه بر خانه.

حق دینی حقی است که شخص حقیقی یا حقوقی بر ذمّه و عهده شخص دیگر دارد. به این حق، حق ذمیّ یا شخصی نیز گفته می‌شود. در حقیقت در حق دینی، صاحب حق، انتفاع از اشیاء را به وسیله اشخاص دیگر اعمال می‌کند و از او می‌خواهد که مالی را به صاحب حق تسلیم کند یا کار مطلوبی را برای اوانجام دهد. حق مربوط به شخصیت حقی است که موضوع آن مال یا شخص خارجی نیست، بلکه از شاخه‌های حق، آزاد زیستن و انتظار حرمت داشتن در زندگی اجتماعی است. از ویژگی‌های این حقوق این است که به وارث شخص منتقل نمی‌شود، قابل توقیف به وسیله بستانکاران نیست، مرور زمان نسبت به آنها جاری نمی‌شود، موضوع قرارداد واقع نمی‌شود و قابل انتقال و اسقاط نیست.

امپرطوری کوروش پادشاه هخامنشی ایران باستان

در حدود سال ۵۶۰ پیش از میلاد دو دولت نیرومند آریایی یعنی ماد و پارس با هم متحد شدند و بدین ترتیب امپرطوری هخامنشی ایران تاسیس شد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

از رود نیل تا جیحون و از دریای اژه تا رود گنگ را فرا گرفت، شبکه راه‌های ارتباطی، رونق بازرگانی، جاده از «سارد» تا «شوش» به مساحت ها کشیده شده و احداث چند ده ایستگاه در طول همین جاده به کاروان‌ها یاری می داد که کالارادرمدت زمان کوتاه در سراسر امپراطوری حمل و نقل کنند (بوشهری: ۱۳۵۴، ۳۱)

امپراطوری هخامنشی به صورت یک سیستم جدید سازمان یافته عمل می نمود که پیش از آن چنین سیستمی از لحاظ وسعت و منابع اقتصادی دیده نشده است کورش در زمان فرمانروایی «نبونید» که پس از مرگ «بخت‌النصر» قدرت را در دست گرفت به بابل رفت و با صلح و آرامش وارد بابل شد نبونید در سرزمین خود محبوبیت نداشت به سادگی تسلیم کوروش شد (شهبازی:۳۳۳، ۱۳۷۴)

منشور کوروش

این سند تاریخی دارای اهمیت ویژه آن می باشد گزیفون تاریخ نویس یونانی وتاجگذاری کوروش در بابل شرح کامل تاجگذاری کوروش و حوادث آن دوران، به صورت مفصل توسط «گزنفون» مورخ و سردار یونانی که به دوران زندگی کورش نزدیک است و بیش از هر مورخی مجذوب شخصیت کوروش بوده است آثارش(کوروش نامه بیان گردیده است، او رفتار کوروش را سرمشقی برای فرمانروایان آینده پیشنهاد می‌کند و می‌نویسد: «او در تمام دوران زندگی خود از هدفی برتر و مقدس پیروی می‌کرد.

در آثار بر جا مانده از او(کوروش نامه) او می نویسد وکوروش بزرگ بعد از خاتمه زمستان در اولین روز بهار، در بابل تاجگذاری کرد. کوروش بعد از تاج‌گذاری، در معبد مردوک خدای بزرگ بابل، منشور آزادی نوع بشر را دستور داد.

فرمان حقوق بشر کوروش یا استوانه کوروش، به عنوان کهن‌ترین سند کتبی از دادگستری و مراعات حقوق بشر می‌کند. کوروش، موسس پادشاهی ایران و آغاز گر سلسله هخامنشیان، پس ازرسیدن به بابل اعلام عفو عمومی داد؛ ادیان بومی را آزاد اعلام کرد؛ برای جلب محب مردم میانرودان (بین انهرین) و آموزش همزیستی عقیدتی به انسان‌ها، مردوک که کهن‌ترین خدای بابل بود را به رسمیت شناخته، در پیشگاهش کرنش کرده بر دستش بوسه زد و او را نیایش کرد

او هیچ گروه انسانی را به بردگی نگرفت و سپاهیانش را از تجاوز به مال و جان رعیا بازداشت. او تمامی ساکنین پیشینی سرزمین‌ها را گرد هم آورده و منزلگاه آنها را به ایشان بازگرداند. (متین دفتری:۱۳۴۸، ۳۲۱) درحدود سال ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۸۷۹-۱۸۸۲) به هنگام کاوش‌ها در بابل در میان رودان (بین النهرین)، باستان شناسان ایرانی، هرمز رسام یک استوانه سفالین کوچک از گل پخته (۲۳ سانتی‌متر)، یافت، که شامل یک نوشته از کوروش کبیر بزرگ بود.

جنس این استوانه از گل رس است، ۲۳ سانتی متر طول و ۱۱ سانتی متر عرض دارد ودر حدود ۴۰ خط به زبان آکادی و به خط میخی بابلی نوشته شده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بررسی ها نشان داد که نوشته‌ای استوانه مربوط به سال ۵۳۹ (پ. م) از سوی کوروش بزرگ پس ازرسیدن به شهر بابل، بیانه شده است و به عنوان سنگ بنای یادبودی در شهر بابل قرار داده شده است. (فضایی: ۱۳۸۹، ۸۹)

که اینک در موزه بریتانیا در شهر لندن نگاهداری می‌شود. پس از آن در سالهای بعد قسمتی از یک لوح بدست آمد و بعد معلوم شدو پاره ای از استوانه کوروش بزرگ است که از سطرهای ۳۶ تا ۴۳ آن می‌باشد. و به موزه لندن گسیل تا استوانه اصلی پیوست گردید. اهمیت این سند هنگامی آشکار می‌شود که بدانیم در دنیای باستان مردم همواره از آتش جنگ‌ها و یورش‌های بی‌پایان در رنج بوده و کشورهای آشتی‌جو نیز ناچار بوده‌اند که برای رهایی مردمان خود از تاخت و تازهای همیشگی همسایگان ناآرام، به رویارویی و نبرد با آنان بپردازند. قتل و غارت و کشتار جمعی در آن روزگار امری عادی بود و حتی به آن افتخار می‌شد مثلاً از کتیبه‌های برجای مانده از پادشاهان آشور و بابل یاد می‌کنیم.

آشور نصیرپال، پادشاه آشور (۸۸۴ پیش از میلاد)در کتیبه خود نوشته است: «به فرمان آشور و ایشتار، خدایان بزرگ و حامیان من. . . ششصد نفر از لشکر دشمن را بی‌ملاحظه سر بریدم و سه هزار اسیرشان را زنده زنده در آتش سوزاندم. . . حاکم شهر را به دست خودم زنده پوست کندم و پوستش را به دیوار شهر آویختم. . . بسیاری را در آتش کباب کردم و دست و گوش و بینی زیادی را بریدم، هزاران چشم از کاسه و هزاران زبان از دهان بیرون کشیدم و سرهای بریده را از درختان شهر آویختم».

در کتیبه سناخریب، پادشاه دیگرآشور (۶۸۹ پیش از میلاد) چنین نوشته است: «وقتی که شهر بابل را تصرف کردم، تمام مردم شهر را به اسارت بردم. خانه‌هایشان را چنان ویران کردم که به صورت تلی از خاک درآمد. همه شهر را چنان آتش زدم که روزهای بسیار دود آن به آسمان می‌رفت. نهر فرات را به روی شهر جاری کردم تا آب حتی ویرانه‌ها را نیز با خود ببرد. »

در کتیبهٔ آشور بانیپال (۶۴۵ پیش از میلاد) پس از تصرف شهر شوش آمده است: «من شوش، شهر بزرگ مقدس. . . را به خواست آشور و ایشتار فتح کردم. . . من زیگورات شوش را که با آجرهایی از سنگ لاجورد لعاب شده بود، شکستم. . . معابد عیلام را با خاک یکسان کردم و خدایان و الهه‌هایشان را به باد یغما دادم. (رضایی:۳۰۱، ۱۳۷۹)

سپاهیان من وارد بیشه‌های مقدسش شدند که هیچ بیگانه‌ای از کنارش نگذشته بود، آنرا دیدند و به آتش کشیدند. من در فاصله یک ماه و بیست و پنج روز راه، سرزمین شوش را یک ویرانه و صحرای لم یزرع کردم. . . ندای انسانی و. . . فریادهای شادی. . . به دست من از آن‌جا رخت بربست، خاک آن‌جا را به توبره کشیدم و به ماران و عقرب‌ها اجازه دادم که آن‌جا را اشغال کنند.»

و در کتیبهٔ نبوکد نصر دوم، پادشاه بابل (۵۶۵ پیش از میلاد) آمده است: «فرمان دادم که صد هزار چشم در آورند و صد هزار ساق پا را بشکنند. هزاران دختر و پسر جوان را در آتش سوزاندم و خانه‌ها را چنان ویران کردم که دیگر بانگ زنده‌ای از آنجا برنخیزد.»

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

پیروزمندان میدان نبرد و چیره‌شدگان بر شهرها، با سپاه شکسته و مردم فرودست بدین‌گونه رفتار می‌کردند. اما تاریخنامه‌های بشری بازگوکنندهٔ رفتار نیک کوروش بزرگ، پادشاه نیرومندترین کشور آن روز جهان، و کنش‌های ستیزندهٔ دیگر فرمانروایان گیتی بوده است.

کوروش دوستدار انسانیت و خواستار حکمت و دانایی و آزادی، قوی و اراده و راست کردار بود. او توانست دل‌های مردمان را شیفته خود سازد». بطوری که امروز بسیاری از اندیشمندان به نیکی از ان یاد می‌کند.

-پرفسور ایلیف مدیر موزه لیورپال انگلستان: -دکتر هانری بر دانشمند فرانسوی – تمدن ایران باستان: -آلبر شاندور- کوروش بزرگ: -ژانرال سرپرستی سایکس: -افلاطون- قوانین(۴۷۷-۳۴۷ پیش از میلاد): - هرودوت-هارولد لمب داشنمند امریکایی از جمله کسانی می باشند که پیرامون شخصیت این ایرانی زبان به تخمین گشوده اند.

پیدایش سازمان‌های بین‌المللی برای صلح، امنیت و آزادی

تجارت و ارتباطات روزافزون بین‌المللی باعث پیدایش و توسعه سازمان‌های بین‌المللی بوده است. پیشرفت مکانیسم‌های ارتباطی و گسترش تجارت بین‌المللی نیاز به تأسیس نهادهایی را مشهود ساخت که بر اساس مقررات خاصی فعالیت کنند. (منوچهری:۱۳۸۴، ۱۲۵)

در یونان و روم باستان نهادی که حمایت از منافع شهروندان خود را که در بنادر کشورهای خارجی به تجارت اشتغال داشتند، به عهده داشت، "کنسول" نامیده می‌شد. به علت عدم هرگونه مسئولیت سیاسی کنسول در خارج از کشور، افراد دیگری به عنوان نمایندهٔ سیاسی کشور خویش به نام "سفیر" به خارج اعزام شدند. این دیپلماسی دوگانه (کنسول- سفیر) از قرن پانزدهم بنا به پیشنهاد حکومت‌های ایتالیا جای خود را به «سفیر دیپلماتیک دایم»[1]داد.

شیوه مبادله سفرا به همراه هیأت دیپلماتیک از آن تاریخ به بعد مرسوم شد. به مرور زمان، گسترش روابط بین‌المللی و پیچیدگی آن، ناتوانی سفرای دایم را در حل مسایل جهانی و منطقه‌ای آشکار ساخت. در برخی موارد، اختلافات نه تنها دربرگیرنده دو کشور بود بلکه چندین کشور را شامل می‌شد. حل این‌گونه اختلافات مستلزم مذاکرات چند جانبه‌ای بود که می‌بایستی از طریق کنفرانس‌های بین‌المللی انجام می‌شد.

بنابر این، تشکیل کنفرانس‌های بین‌المللی که متشکل از نمایندگان کشورها بودند، تنها راه دست‌یابی به حل مسالمت‌آمیز اختلافات به نظر رسیدند. از نیمه قرن نوزدهم گرایش کشورها به تشکیل چنین تجمعاتی بیش از پیش مشهود شد. نخست می‌توان ه «صلح وستفالی» در سال ۱۶۴۸ که ناشی از یک کنفرانس بین‌المللی بود، اشاره کرد. بعدها، در قرن نوزدهم کنفرانس‌های متعددی برپا شد که هریک به انعقاد معاهدات گوناگونی منجر شدند. از جمله پس از جنگ‌های ناپلئونی، صلح‌نامه‌هایی از طریق «کنگره وین» در ۱۸۱۵

1. Permanent Diplomatic Ambassador.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بین کشورهای اروپایی منعقد شد. همچنین پس از پایان جنگ اول جهانی، مذاکرات کنفرانس صلح پاریس در سال ۱۹۱۸ نهایتاً منجر به انعقاد «معاهدات ورسای» در سال ۱۹۱۹ گردید، که عامل ایجاد جامعه ملل به حساب می آید. (همان:۱۹۶)

اعلامیه حقوق بشر

در پایان جنگ دوم جهانی در ژوئن ۱۹۴۵، کنفراس سانفرایسنکو با تاکید بر حقوق بشر، منشور ملل متحد که بر مبنای آن سازمان ملل ایجاد شد، به امضاء رسید. در منشور ملل متحد مقرراتی در زمینه حقوق بشر گنجانده شد، ولی این مقررات و مکانیزمها با انتظاراتی که دیدگاهها و سخنرانی‌های روزولت در دوران جنگ پدید آورده بود فاصله داشت.

حقوق بشر مجموعه‌ای از امتیازات دارای مضمون و مفهوم والای انسانی است که انسان با صرف‌نظر از هرگونه وابستگی دینی، نژادی، جنسی، زبانی و مانند آن و حتی میزان قابلیت و صلاحیت فردی و بدون توجه به اوضاع و احوال متغیر اجتماعی از آن برخوردار است و به کرامت و احترام و شخصیت انسان ارتباط دارد. این حقوق به عناوین واشکال مختلف مورد توجه قرار گرفته یکی از قدیمی ترین سندهای پیرامون این حقوق منشور کوروش کبیر می باشد که بعدها در تدوین قانون اساسی امریکا تاثیر گذار بوده است امریکای که خود یکی از عوامل مهم تدوین اعلامیه حقوق بشر پس از جنگ های اول و دوم به حساب می اید سوابق تاریخی نظام بین‌المللی حقوق بشر را می‌توان در تعدادی از نظریه‌ها و نهادهای حقوقی بین‌المللی جستجو کرد. مهمترین این سوابق عبارتند از: مداخله بشر دوستانه، مسئولیت دولت نسبت به صدمات وارده به خارجیان، حمایت از اقلیت‌ها، نظامهای قیمومت و اقلیت جامعه ملل و حقوق بین‌المللی بشردوستانه. برخی از این مفاهیم امروزه جزء لاینفک نظام بین‌المللی حقوق بشر هستند. (ابوسعیدی:۱۳۴۳، ۵۵)

نگارندهگان حقوق بشر

النور روزولت

خانم النور روزولت، بیوه‌ی رئیس جمهور ایالات متحد آمریکا مرحوم فرانکلین دلنو روزولت، که نامش تقریباً مترادف جنگ با فاشیسم و تلاش در راه گسترش نهادهای بین‌المللی حامی صلح و آزادی بود، بزرگ بانویی بسیار فعال و پیشتاز محسوب می‌شد.

پ. س. چانگ

معاون کمیسیون حقوق بشر دکتر پ. س. چانگ بود که پرورشی اساساً آمریکایی داشت: تحصیلات عالی خود را ابتدا در دانشگاه کلارک گذرانده و سپس در دانشگاه کلمبیا دنبال کرده بود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

رنه کاسن

چهارمین عضو تعیین‌کننده‌ی «کمیسیون»، حقوق‌دان برجسته‌ی فرانسوی رنه کاسن بود که بعدها در ۱۹۶۸ جایزه‌ی صلح نوبل را به سبب مجموعه‌ی تلاش‌هایش در راه دفاع از حقوق بشر به دست آورد.

جان. پ. هامفری

در درون دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد، مسئول اصلی کار کمیسیون حقوق بشر، جان. پ. هامفری، مدیر بخش حقوق بشر در قسمت امور اجتماعی بود. او اهل کانادا، حقوق‌دانی بین‌المللی، مردی اهل عمل و در عین حال، در مورد حقوق بشر، آرمان‌گرایی پرشور بود.

مشترکات منشور کوروش امپرطور هخامنشی ایران واعلامیه حقوق بشر

منشور کوروش و اعلامیه حقوق بشر دو سند تاریخی مانده گار می باشند که یکی در دوران باستان و دیگری در دوران با تاکید بر سه اصل مهم صلح، امنیت و آزادی برای ملت ها و نوع بشر اعتقاد دارند که:

۱- همگی انسان‌ها که اعضای خانواده‌ای واحداند، آزاد و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق برابر هستند و باید یکدیگر را برادر بدانند. (نفیسی:۱۳۷۶، ۲۵۶)

۲- رسالت جامعه آن است که این امکان را برای همه انسان‌ها فراهم آورد که شخصیت طبیعی، فکری و اخلاقی خود را به طور همه‌جانبه و در پرتو امنیت رشد دهند، بی آن‌که هیچ یک از این وجوه سه‌گانه قربانی دیگری شود.

۳- حقوق هر فرد با حقوق دیگران محدود می‌شود.

نتیجه‌گیری

منشور کوروش و اعلامیه حقوق بشر دو سند تاریخی یکی در دوران باستان و دیگری در دوران مدرن به مقوله حقوق بشر پرداخته اند اگر حقوق بشر را مجموعه حقوق و اختیاراتی که به یک شخص به عنوان انسان وبدون درنظر گرفتن نژاد، ملیت، تابعیت یا جنس داده می شود بدانیم باید گفت

منشور کوروش یا فرمان آزادی ملتها که به استوانه کوروش (**cyrs cylindr**) معروف است، نخستین منشور حقوق بشر درجهان باید دانست زیرا تعریف حقوق بشر؛ واژه «حقوق بشر» **(Human Rights)** به معنای مصطلح آن، حتی در اندیشه و حقوق غرب هم سابقه تاریخی کهنی ندارد. این اصطلاح نسبتاً جدید است و تنها پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد ادبیات حقوقی و محاورات روزمره شد. این واژه جایگزین اصطلاح حقوق طبیعی **(Natural Law)** و حقوق انسان **(Rights of Man)** گردید که قدمتی بیشتر دارند. حتی اگر در کتب کانت بزرگ‌ترین فیلسوف عصر روشنگری که بیش از هر حکیم دیگری انسان و کرامت او را مبنای فلسفه خویش قرار داده است در

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

جستجوی واژه «حقوق بشر» بگردیم اثری از آن نمی‌یابیم تا اینکه اعلامیه حقوق بشر توسط اندیشمندان متاثر از دمکراسی موجود در قانون اساسی امریکا اولین جمهوری دموکراتیک جهان به قلم در امده که نگارندانگان آن پس از استقلال امریکا با رصد در کوروش نامه گزیفون آن به گواه تاریخ تدوین می گردد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ ابوسعیدی، مهدی، حقوق بشر وسیر تکامل آن در غرب، تهران : انتشارات آسیا، ۱۳۴۳.

ـ امیدی، جلیل، حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر، مجله کانون وکلای دادگستری مرکزی، دوره جدید، ش۲، شماره پیاپی ۱۷۱

ـ بوشهری، جعفر، ۱۳۵۴، حقوق اساسی، جلد اوّل، دانشگاه تهران.

ـ جعفری تبریزی محمد تقی، ۱۳۷۶، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیگاه اسلام وغرب تهران» دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران. جعفری تبریزی محمد تقی، ۱۳۷۶، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیگاه اسلام وغرب تهران» دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.

ـ رضایی، عبدالعظیم، ۱۳۷۹، پیشینه ایرانیان. تهران. نشر قومس.

ـ شهبازی. علی، ۱۳۷۴، کوروش بزرگ، تهران، انتشارات امیرکبیر.

ـ فضائی، مصطفی، ۱۳۸۹، دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین المللی، چاپ دوم، شهر دانش، تهران.

ـ کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، عدالت وحقوق بشر، فصلنامه حقوق، دوره ۳۷ شماره ۳، پاییز.

ـ کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، عدالت وحقوق بشر، فصلنامه حقوق، دوره ۳۷ شماره ۳، پاییز.

ـ متین دفتری، احمد، ۱۳۴۸، حقوق بشر و حمایت بین‌المللی آن، بهمن.

ـ منوچهری، عباس، ۱۳۸۴، عقل سرخ وحق سبز:انسان شناسی اشرافی و حقوق بشر حداکثری، مبانی نظری حقوق بشر؛در:مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر، دانشگاه مفید، مرکز مطالعات حقوق بشر.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]